

به بهانه ۲۹ فروردین روز جهانی یادمان‌ها و محوطه‌ها:

### میراث واقلمی



**سید هادی احمدی**

روشنی مدیرکل حفظ و احیای بناهای بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی وزارت میراث فرهنگی

ایکوموس روز جهانی یادمان‌ها و محوطه‌های تاریخی را در سال ۲۰۲۲ با شعار «میراث و اقلیم» گرامی می‌دارد. هدف از این نامگذاری جلب توجه دولت‌ها و مردم به این موضوع است که تغییرات اقلیمی تا چه اندازه می‌تواند برای میراث فرهنگی تهدید ایجاد کند.

حفاظت از میراث فرهنگی توسط دولت‌ها، پدیده‌ای است که در مقایسه با طول تاریخ بسیار نو و امروزی به نظر می‌رسد. نگاهی که حاصل

نگرش مدرن و پست مدرن به کشاورزی است. توجه، افتخار و درس گرفتن از میراث فرهنگی نیز به نوبه خود یک پدیده جدید محسوب می‌شود. تاپیش از آغاز عصر توسعه، اگر چه هم مردم و هم حاکمان از میراث فرهنگی درس می‌گرفتند، اما این درس‌ها لزوماً به‌عنوان یک امر دارای نظام و تدوین شده نبود و بیشتر در یک دایره تکوینی و تکاملی در جریان بود. نشون ملموس زندگی و حکومت، از سبک معماری گرفته تا نوع مصالح و از آمایش سرزمین تا روابط خارجی از نوع محصول تولیدی تا سبک تجارب به نوعی در ارتباط و منبعث از تجربه زیست در این سرزمین بود. شاید مردم عادی بدون اینکه آگاه باشند در قالب سنت از تجربیات گذشتگان خود استفاده می‌کردند و اگر چه ناووری و دگرگونی همواره همراه جوامع ایرانی بود، اما خطوط قرمز و حدود را نیز رعایت می‌کرده‌اند. بلند پروازی‌های قابل توجه در مهندسی، معماری، شهرسازی، کشورگشایی و به خدمت گرفتن نیروهای عظیم طبیعت و آمایش زمین، به‌عنوان اصلی بدون سکون همواره در تاریخ کشور وجود داشته اما هیچگاه این بلندپروازی‌ها حد و مرز به خطر انداختن زمین و سرزمین را پشت سر نمی‌گذاشتند. مشکل از آنجا آغاز شد که کل گذشته و تجربیات پیشینیان را یک شبه کنار گذاشتیم و تصمیم گرفتیم به جای تجربه زیست در این سرزمین، الگوهای امتحان نشده زیست در هر کجای دیگر از این کره خاکی را به‌عنوان یک برنامه آمایشی در سرزمین خود اجرائی نماییم. مثلاً شبیه دلتای رود آمازون کشاورزی کنیم، شبیه منهنن شهرسازی کنیم ، شبیه سن پترزبورگ معماری کنیم و شبیه استرالیا دامداری، نتیجه این برنامه‌ریزی روشن است، اگر ظرفیت ناشناخته‌ای از این سرزمین مانده باشد، با این الگو عملی می‌شود و اگر متضاد و نامأنوس با ظرفیت سرزمین باشد نتیجه‌اش جز خسارت و نابودی نخواهد بود.

بی توجهی به تجربه زیست در سرزمین در حالت و زمان بحران خودش را نشان می‌دهد، در این شرایط میراث فرهنگی به خاطر ذات خود جزو اولین و بزرگترین قربانی‌ها خواهد بود. اگر چه تمام آثار تاریخی، در معرض آسیب‌ها و خطرات ناشی از تغییرات اقلیمی هستند، اما از سوی دیگر همچنان بهترین راهنمای ما برای گذار از این شرایط پیچیده نیز محسوب می‌شوند.

در هر جامعه‌ای مرسوم است زمانی که با مشکلی روبه‌رو می‌شوند یا تصمیم بزرگی اتخاذ می‌کنند، سراغ خردمندان، ریش سپیدان و همشمال‌ها می‌روند تا آن تصمیم و برنامه سنجیده‌تر پیش برود. بشر آموخته که اختراع دوباره و چندباری چرخ کار پیوهده‌ای است و باید ضمن استفاده از تجربه گذشتگان بر آنچه آموخته بیفزاید. برخی از ملل، سنت قابل تقدیر مکتوب کردن تجربیات را نیز دارند و برای هر موضوعی گزارشات و تحلیل‌های متنوعی آفریده و ذخیره کرده‌اند، برخی دیگر نیز نظیر ما یا این سنت را نداشته یا در نتگنهای تاریخی، عمده میراث مکتوب شان را از دست داده‌اند. میراث فرهنگی دقیقاً همان پیر و مرشد دنیا دیده‌ای است که اگر در سرزمینی وجود دارد باید با او مشورت کرد و از آن درس گرفت اگر نه هر نسلی باید آموخته‌ها را دوباره بیاموزد. میراث فرهنگی دقیقاً همان حد و مرز است که باید رعایت شود. آثار و بناهای تاریخی میزان و مقیاس نگاه و برخورد با سرزمین هستند. توجه به شواهد تاریخی و تجربه زیست در سرزمین در هر برنامه‌ای به نوعی بهره‌مندی از هزاران سال تجربه و سعی و خطای رخ داده در این سرزمین است. برخی به گراف میراث فرهنگی را صرفاً برای استفاده‌های زیباشناختی، گردشگری و تزیینی می‌دانند و می‌پسندند، اما اگر میراث فرهنگی را به منزله یک درخت در نظر بگیریم، تمام این کاربردها تنها معادل با سایه این درخت است و عملاً با این گونه نگاه از صدها بهره دیگر این درخت غافل بوده‌ایم. هر اثر تاریخی در هر شهر، روستا یا منطقه نشان می‌دهد که حاصل چند صد یا چند هزار سال سعی و خطا در آن مکان مشخص، چه مصالحی را برای معماری پیشنهاد می‌کند، چه اسبونی برای سازه‌نشان می‌دهد، چگونه می‌توان در آن اقلیم بر چالش‌های روزمره و احتمالی چیره شویم و از همه مهم‌تر اینکه چه تهدیدات و فرصت‌هایی در آن منطقه وجود دارد.

بررسی گونه‌های معماری در هر شهر نشان می‌دهد که چه پیشینه‌ای در این منطقه رونق بیشتری خواهد داشت (احتمالاً) و نبود شواهد تاریخی نیز شاید نشان دهد که چه چیزهایی در این منطقه و اقلیم جایی ندارد. البته دنبال کردن تمام و کمال گذشته و به کار گرفتن آن را هیچ عقل سلیمی تجویز و تأیید نمی‌کند، اما توجه به شواهد تاریخی، بی‌شک می‌تواند راهگشای آینده باشد، حتی در پدیده‌هایی که کاملاً نو بوده و هیچ سابقه‌ای در تاریخ ندارند. حفاظت از میراث فرهنگی به‌عنوان یک تکلیف قانونی و ذاتی دولت‌ها نه فقط برای جلب و جذب گردشگر که برای حفظ هویت ایرانی، اسلامی و برای درس گرفتن از گذشته است و چراغ راه آینده هر ملت و قومی هستند. احتمالاً حاکمیت‌ها باید بیشتر به این جنبه از میراث فرهنگی توجه نمایند. وضعیت حفاظت از میراث فرهنگی هنوز با وضعیت مطلوبی که مورد انتظار موموم جامعه است فاصله دارد، اما به نظر می‌رسد روز به روز بر اهمیت این حفاظت افزوده می‌شود و مطالبه‌گری عمومی مهم‌ترین رکن در این افزایش توجه است. در کنار اینها، تبدیل فرهنگ حفاظت به یک پارادایم و تکلیف ملی، می‌تواند آینده بهتری را برای میراث فرهنگی کشور، خصوصاً در فراز و نشیب تهدیدات طبیعی و انسان ساخت، عزم و اراده جمعی و ملی برای حفاظت از این ثروت‌های بی‌ جایگزین ضروری است. ما معتقدیم میراث فرهنگی کشور پیر خرمندی است که جواب همه سوالات را می‌داند و برای گذار از مشکلات راه حل دارد. از معماری و شهرسازی تا موضوعات اجتماعی و امنیتی و از اقتصاد داخلی گرفته تا روابط خارجی و اگر چه بسیاری از این راه‌حل‌ها و پاسخ‌ها امروزه نیاز به رمزگشایی دارد، اما این پیر خردمند بی‌ حساب و ملاحظه همه تجربیاتش را در اختیار آینده این سرزمین خواهد گذاشت. سرزمینی که توانسته از هزاران سال فراز و نشیب طبیعت و جنگ و نظیر اینها گذر کند، آن قدری ریشه در زمین پراکنده است که این موج از تهدید را نیز سپری کند، با این تغییر همچنان آسیب‌های انسانی در صدر جدول تهدیدات علیه میراث فرهنگی باقی خواهد ماند.



فرانسه گرفت. فوق لیسانس او در رشته اقتصاد و مدیریت بازرگانی از مؤسسه گسشن Gestion فرانسه بود و البته دکترایش در رشته علوم اجتماعی و توسعه روستایی را هم در سال ۱۳۶۴ از دانشگاه سوربن فرانسه دریافت کرد. او در سال‌های فعالیتش، مدیر پروژه‌های مختلفی از جمله پروژه مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در برنامه ملی مقابله با بیابان‌زایی، مدیر پروژه طرح توسعه ناحیه‌ای در سه استان محروم ایران «هرمزگان، کهگیلویه‌وبویراحمد و کردستان» با مشارکت جوامع و مقامات محلی مناطق هدف، هماهنگ‌کننده طرح اصلاح مشارکتی بذر در ایران، همکار در ارزیابی اثرات محیط‌زیستی کاهش مصرف سموم در سه استان شمالی کشور و... بود.

- دوشنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۱
- سال بیست و هشتم
- شماره ۷۸۸۹

وزیر کشور از توقف احداث پتروشیمی میانکاله تا پایان ارزیابی زیست محیطی خبر داد

# نجات میانکاله

زهرا کشوری خبرنگار

وزیر کشور براساس دستور رئیس جمهور اعلام کرد تا بررسی مجدد ابهامات زیست محیطی، احداث پتروشیمی میانکاله متوقف خواهد ماند. فعالان و کارشناسان محیط زیست با توجه به ادله‌های کارشناسی، اقتصادی و اجتماعی صدور مجوز زیست محیطی را برای پتروشیمی میانکاله غیرممکن می‌دانند و خواستار خروج تجهیزات پیمانکار از اراضی ملی-مرتعی و بازگرداندن اراضی ملی به سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور شدند. آنها می‌خواهند در گام نخست نهال‌های اکالیپتوس کاشته شده در منطقه از دل خاک بیرون آورده شوند. این درخت ریشه رونده دارد و هر جا که آب ببیند آن را می‌بلعد. کارشناسان این واهمه را دارند که گذشت زمان به ریشه زنی عمیق این درختان در منطقه منجر شود. برای نخستین بار زیست که مازندران از «اکالیپتوس» زخم می‌خورد. فعالان می‌خواهند این بار اشتباه کاشت درخت مهاجم از سرچشمه خشک شود. مجید مخدوم استاد محیط زیست و بنیانگذار آموزش عالی در رشته محیط زیست در ایران نیز در گفت‌وگو با «ایران» از تشکیل یک تیم قوی با همکاری دانشگاه‌ها برای مطالعات زیست محیطی پتروشیمی میانکاله خبری می‌دهد و می‌گوید: «هر چند باید تا پایان مطالعات صبر کرد اما ساخت پتروشیمی برای میانکاله سنگین و خارج از توان اکولوژیکی آن است.» او احتمال می‌دهد که در این مرحله سازمان حفاظت محیط زیست کشور براساس مطالعات انجام گرفته ساخت پتروشیمی در میانکاله را رد خواهد کرد. او گزارش ارزیابی تهیه شده توسط تیم قبلی را ناقص اعلام می‌کند و می‌گوید: «این ارزیابی باید به روش فنی و ترکیبی انجام شود بنابراین سازمان محیط زیست باید یک تیم قوی را انتخاب کند.»

مخدوم به پیشروی دریای کاسپین (خزر) در هر ۱۳ سال اشاره می‌کند و از احتمال زیر آب رفتن هرگونه ساخت و ساز در منطقه خبر می‌دهد. او بومیانی که در نهایت توانسته‌اند شغل خدمات

تالابی بودن منطقه را باعث فرورفتن سازه‌ها و حجم‌ها می‌داند و می‌گوید فرورفتن بخش‌هایی از نیروگاه نکا در منطقه تالابی و پیشروی دریا نشان می‌دهد شمال از نظر علمی توان اکولوژی احداث پتروشیمی میانکاله متوقف خواهد ماند. فعالان و کارشناسان محیط زیست با توجه به ادله‌های کارشناسی، اقتصادی و اجتماعی صدور مجوز زیست محیطی را برای پتروشیمی میانکاله غیرممکن می‌دانند و خواستار خروج تجهیزات پیمانکار از اراضی ملی-مرتعی و بازگرداندن اراضی ملی به سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور شدند. آنها می‌خواهند در گام نخست نهال‌های اکالیپتوس کاشته شده در منطقه از دل خاک بیرون آورده و زراعی روی سفزه شمالی‌ها می‌آید و آنها را روانه بیمارستان می‌کند.

#### یک اتفاق مبارک

هم صدایی گروه‌های مختلف در مخالفت با ساخت پتروشیمی میانکاله یک اتفاق مبارک است. رسانه‌ها با نگاه سیاسی متفاوت یکصدا پشت میانکاله ایستادند. بسیاری اعتقاد دارند جلوگیری از ساخت پتروشیمی میانکاله در ذخیره گاه طبیعی زیست کره میانکاله می‌تواند آغاز نگاه کلان به توسعه پایدار باشد. برخلاف طرح‌های قبل که افراد سیاسی پشت طرح‌های توسعه‌ای بدون پشتوانه زیست‌محیطی ایستاده‌اند این بار در دو سوی ماجرا افراد سیاسی قرار گرفتند. یک سو نمایندگان وجود دارند که سعی دارند با فشارهای سیاسی طرحی بدون صرفه اقتصادی و اجتماعی را به محیط زیست شکندند منطقه تحمیل کنند و در سوی دیگر فعالان، سیاستمداران و نظامیان وجود دارند که می‌دانند بدون توجه به توان اکولوژیکی نمی‌توان به توسعه پایدار و امنیت رسید. افکار عمومی نمی‌خواهند شمالی‌ها و شهروندان شرقی مازندران مثل خوزستانی‌ها در حسرت زندگی مهندسان روزازی به پتروشیمی میانکاله باشند. در حالی‌که از این صنعت سهمی به آنها نمی‌رسد.

بومیانی که در نهایت توانسته‌اند شغل خدمات

تالابی بودن منطقه را باعث فرورفتن سازه‌ها و حجم‌ها می‌داند و می‌گوید فرورفتن بخش‌هایی از نیروگاه نکا در منطقه تالابی و پیشروی دریا نشان می‌دهد شمال از نظر علمی توان اکولوژی احداث پتروشیمی میانکاله متوقف خواهد ماند. فعالان و کارشناسان محیط زیست با توجه به ادله‌های گوسفند در این منطقه براساس سیلاب و پیشروی آب دریا در سال‌های گذشته خبر می‌دهند. این اتفاق‌ها از جمله دلایل ممنوعیت قانونی ایجاد صنایع در شمال است. صنعتی که آلودگی آبی و خاکی را هم در پی دارد. این آلودگی‌ها همین الان نیز به افزایش میزان ابتلا به انواع سرطان از جمله سرطان سرت و معده در استان های شمالی منجر شده است. آلودگی‌هایی که همراه با محصولات باغی و زراعی روی سفزه شمالی‌ها می‌آید و آنها را روانه بیمارستان می‌کند.

#### یک اتفاق مبارک

هم صدایی گروه‌های مختلف در مخالفت با ساخت پتروشیمی میانکاله یک اتفاق مبارک است. رسانه‌ها با نگاه سیاسی متفاوت یکصدا پشت میانکاله ایستادند. بسیاری اعتقاد دارند جلوگیری از ساخت پتروشیمی میانکاله در ذخیره گاه طبیعی زیست کره میانکاله می‌تواند آغاز نگاه کلان به توسعه پایدار باشد. برخلاف طرح‌های قبل که افراد سیاسی پشت طرح‌های توسعه‌ای بدون پشتوانه زیست‌محیطی ایستاده‌اند این بار در دو سوی ماجرا افراد سیاسی قرار گرفتند. یک سو نمایندگان وجود دارند که سعی دارند با فشارهای سیاسی طرحی بدون صرفه اقتصادی و اجتماعی را به محیط زیست شکندند منطقه تحمیل کنند و در سوی دیگر فعالان، سیاستمداران و نظامیان وجود دارند که می‌دانند بدون توجه به توان اکولوژیکی نمی‌توان به توسعه پایدار و امنیت رسید. افکار عمومی نمی‌خواهند شمالی‌ها و شهروندان شرقی مازندران مثل خوزستانی‌ها در حسرت زندگی مهندسان روزازی به پتروشیمی میانکاله باشند. در حالی‌که از این صنعت سهمی به آنها نمی‌رسد.

بومیانی که در نهایت توانسته‌اند شغل خدمات

http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir



میانران

فعالان محیط زیست در مازندران دارند همان‌گام پیشرو را برمی‌دارند که بوشهری‌ها ۵ سال پیش برای جلوگیری از ساخت پتروشیمی درشتستان برداشتند. مردم بخش «آب‌پخش بوشهر» با اعتراضی نمادین، بر تعداد و آرام، مانع از کلنگ‌زنی پتروشیمی توسط وزیر وقت صنعت، معدن و تجارت با حضور استاندار و مسئولان محلی شدند. حالا باید پرسید آیا دوران پیشبرد برنامه توسعه‌ای با پشت پرده اقتصادی و سیاسی اما به‌نام «مردم» به پایان رسیده است؟ این طرح باید به پایان برسد. نه محیط زیست کشور توان اکولوژیکی توسعه غیر همسو با طبیعت را دارد و نه مردم دیگر فریب شعارهای فریبنده را می‌خورند.

سمت شغل کاذب برد. شغل‌هایی که باعث تعارض میان جامعه میزبان و مهاجر شد. آنها نمی‌خواهند با ساخت پتروشیمی میانکاله تنها اراضی مرتعی باقی مانده در شهرشان را از دست بدهند و یکبار دیگر شاهد مهاجرت بی‌رویه به شهرشان باشند. مهاجرانی که پس از تکمیل پتروشیمی یکبار می‌شوند و برای اداره زندگی به سمت مشاغل کاذب می‌روند. پتروشیمی هم محل مهندسان پروازی می‌شود که از شهرهای دیگر می‌آیند و در ساختمان لوکس اقامت می‌گزینند. در نهایت هم محلی‌ها می‌مانند با جامعه مهاجر جدید و آلودگی‌های صنعتی که وضعیت میانکاله و آشوراده را بدتر از قبل می‌کند.

و نگهبانی را در یکی از پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌ها به دست بیاورند. شهروندان شرق مازندران و تالاب نشینان میانکاله حالا می‌دانند عدد ۷۵ هزار شغلی که نماینده شهر و برخی از سیاسیون آن را بهانه ساخت پتروشیمی میانکاله کرده‌اند در نهایت جامعه کارگر مهاجر را به سمت شهرهای آنها سرازیر خواهند کرد. آنها به روزنامه ایران می‌گویند: «ما کشاورز و دامداریم. کارگری نمی‌کنیم. در بدترین شرایط در حیاط خانه خودمان کشت و کار می‌کنیم.» آنها تجربه و در سادامیرآباد را در ذهنشان دارند. به خاطر دارند وقتی بندر در طول چند سال تکمیل شد، جمعیت کارگر مهاجر، یکبار و ساکن بهشهر و شهرهای دیگر شمال شدند. یکباری آنها را به

یک سد دیگر بدون ارزیابی زیست محیطی، از مجلس ردیف بودجه گرفت

## مارون ۲ «شادگان» را خشک می‌کند

بیژان میرعظیمی خبرنگار

پروژه احداث سد «مارون ۲» بدون اخذ مجوزهای زیست‌محیطی و ماده ۲۳، در مجلس ردیف بودجه گرفته است.

رئیس محیط زیست خوزستان و یک عضو کمیسیون انرژی مجلس در گفت‌وگو با «ایران» تعیین ردیف بودجه را کاملاً غیرقانونی و بدون در نظر گرفتن ضوابط قانونی می‌دانند. این پروژه در صورت اجرا، تالاب شادگان و نخلستان‌های شادگان، ماهشهر، رامشیر، رامهرمز... را خشک کرده و ساکنان آنها را مجبور به مهاجرت خواهد کرد. «محمدجواد اشرفی» رئیس محیط زیست خوزستان، روند تخصیص بودجه به پروژه ساخت سد «مارون ۲» را غیرقانونی نامیده و به «ایران» می‌گوید: براساس قانون، هر پروژه‌ای برای تأمین اعتبار باید گزارش ارزیابی زیست محیطی داشته و تا تأیید نهاد سازمان حفاظت محیط زیست برسد، سدها نیز از این امر مستثنی نیستند و اگر این پروژه، مجوز زیست محیطی نهایی ندارد، باید در تأمین اعتبارش قدری تأمل کرد.

#### تالاب شادگان در خطر است

وی می‌افزاید: تالاب شادگان به‌عنوان تنها منبع تغذیه‌ای و حقایبه از رود مارون، از سال‌های گذشته در تأمین آب دچار چالش اساسی بوده است. تالاب شادگان براساس مطالعات صورت گرفته برای ۳ سناریو دوران کم‌آبی نرمال و



شاهین‌نادر

مترمکعب در ثانیه آب وارد تالاب شادگان شود، این در حالی‌است که در حال حاضر کمتر از ۵ متر مکعب در ثانیه آب وارد این تالاب می‌شود. این بدان معنا است که ما حیات تالاب شادگان را از بین برده و با احداث سدهای جدید در بالادست و ایجاد مشکل در فعالیت آبیزان، صیدصیادان و گردشگری، شرایط جدیدی را برای ایجاد کانون بسیار خطرناک گردوغباری ایجاد خواهیم کرد، کما اینکه در حال حاضر بخش‌های قابل توجهی از این تالاب به علت تأمین آب به کانون‌های گردوغباری تبدیل شده است.

#### لاهی‌گری در تخصیص اعتبار

وی می‌افزاید: از سویی دیگر با توجه به اینکه تعدادی از مردم استفاده از ظرفیت مارون را به‌عنوان شغل برای خود انتخاب کرده و هزینه معیشت و امرار معاش و زندگی خود را از این راه تأمین می‌کنند، در نتیجه ساخت این سد دچار محرومیت شده و احساس خواهند کرد مورد کم‌مهری و کم‌توجهی مسئولان نظام قرار گرفته‌اند؛ همین امر نیز به مسائل قومیتی در منطقه دامن زده و تبعات اجتماعی بسیار زیادی را در پی خواهد داشت.

این عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، درخصوص تخصیص ردیف بودجه غیرقانونی برای ساخت سد مارون ۲ در مجلس می‌گوید: این موضوع مسیوق به سابقه بوده و در سنوات گذشته و از سال ۹۵ که استارت این کار زده شد، با لاهی‌گری و بدون درنظر گرفتن ضوابط قانونی انجام شده است. بالطبع در مجلس نیز با توجه به این ادعا که پروژه ساخت سد مارون ۲ دارای بیوست زیست‌محیطی و ماده ۲۳ است، ردیف بودجه گرفته است. البته مسئولان مربوطه در این موضوع قول داده‌اند که چنانچه این پروژه دارای بیوست زیست‌محیطی و ماده ۲۰ نباشد، این موضوع منتفی خواهد شد. اما لازم است تأکید کنم که مسئولان مربوطه در سازمان برنامه، کمیسیون تلفیق و ریاست مجلس باید به این موضوع توجه داشته باشند تا در نتیجه آن گرفتار هیچ فاجعه زیست‌محیطی و انسانی خودساخته نشویم.

همه ساله هم‌زمان با میلاد امام حسن مجتبی (ع) مراسم قدیمی و کهن «گرگیغان» برگزار می‌شود. گرگیغان یا قرقیغان نام یک

آیین سنتی رایج بین عرب‌های خوزستان، استان هرمزگان، عراق، بحرین، کویت، و شرق عربستان (احسا، و قطیف) و امارات متحده عربی است که در شهرورماه ۱۳۹۵ به‌عنوان میراث معنوی مردم عرب ایران به ثبت ملی رسید. این آیین که ریشه‌ای تاریخی دارد در نیمه ماه رمضان در مناطق عرب‌نشین توسط کودکان اجرا می‌شود. برای ریشه این مراسم روایات مختلفی ذکر شده اما برجسته‌ترین آن، به مناسبت میلاد حسن بن علی امام دوم شیعیان ذکر

شده‌است. نام اصلی این آیین «قرقیغان» است ولی با توجه به اینکه مردم عرب خوزستان حرف «قاف» را در بیشتر کلمات «کاف» تلفظ می‌کنند به آن «گرگیغان» می‌گویند. آیین گرگیغان با نام‌های مختلف در کشورهای عربی وجود دارد مردم بغداد آن را «ماجینه» و اهالی جنوب بغداد به آن «کرکیغان» می‌گویند. در بحرین «قرقاعون»، قطر «قرنقوه»، کویت و شرق عربستان «قریقیغان»، عمان «قریقشوه» و در امارات متحده عربی و شهرستان میناب و جزیره قشم به نام «حق‌اللبه» شناخته شده است. این مراسم در بندر دلم و شهرستان پارسیان نیز با نام «گره‌گشو» و در بندر دیر و بندر نکنگان نیز با نام «گرگشو» برگزار می‌شود.



ایستا